

آموزش روزنامه‌نگاری بحران

نوشته

امیر کاووس بالازاده*

چکیده

در بحران‌هایی که جنبه ملی دارند، رسانه‌ها در جهت ایجاد بسیج ملی نقش دارند، و از این‌رو در مواردی مجاز، حتی موظف هستند که از برخی اصول مربوط به رعایت بی‌طرفی در گزارش‌های خبری عدول کنند و قواعدی معنوی و اخلاقی را برتر بشمارند. این تخطی باید بین رسانه‌های مختلف همخوان باشد، اما این بدان معنی نیست که دولت، رهبری رسانه‌ها را در چنین روزهایی در دست می‌گیرد، بلکه کارکنان رسانه‌ها باید خود برای مواجهه با چنان وضعی از پیش آموزش‌هایی منظم و مرتبط دیده باشند تا همراه و همگام با مسئولان دولتی و نهادهای مدنی به نیاز وحدت ملی پاسخ دهند و محصول کار آنها در روزهای پر آشوب و بحرانی موجب چنددستگی و تفرقه افکار نشود. قصد این مقاله ارائه برنامه درسی برای تربیت کادرهای بحران در رسانه‌ها نیست، بلکه هدف آن است که ضرورت چنان برنامه‌های درسی در کلاس‌ها و دوره‌های ویژه را نشان دهد.

کلید واژه: روزنامه‌نگاری بحران، آموزش روزنامه‌نگاری، روزنامه‌نگاری آمریکا، بحران ۱۱ سپتامبر.

روزنامه‌نگار در مقابله با اوضاع و احوال بحرانی به چه آمادگی‌های عملیاتی، روانی و اخلاقی نیازمند است و هیئت تحریریه چه نقشی دارد؟ طبیعت بحران بداهه را اقتضا می‌کند، اما برای بداهه هم باید آمادگی داشت. در روزگار بحران نیز روزنامه‌نگار از هر دو گونه مهارتی که می‌باید برای آن تربیت شده باشد، استفاده می‌کند: ۱. کشف (heuristics)، ششم، (intuition).

* روزنامه‌نگار

خلاقیت لحظه‌ای (illumination)؛ ۲. عملیات منظم و گام به گام با شیوه‌های از پیش اندیشیده شده (algorithm).

به عبارت دیگر روزنامه‌نگار از لحاظ توانایی‌های عملیاتی و روانی برای دادن پوشش خبری به اوضاع و احوال بحرانی، هم از لحاظ فردی و هم از لحاظ کار در گروه، چه تربیت‌هایی باید داشته باشد؟ و هیئت تحریریه در روز بحران، چه پشتیبانی‌هایی را چگونه باید در اختیار گروه ضربت روزنامه‌نگاران بحران بگذارد؟

موضوع این مقاله بحرانی‌هایی است که جنبه ملی می‌یابند؛ بحران‌هایی که بر اثر آنها صف‌بندی مشرب‌ها و احزاب اتفاق نمی‌افتد، بلکه واکنش کل جامعه (جز استثنای حاشیه‌ای نادر) نسبت به آن بحران، در قالبی از وحدت شکل می‌گیرد. نمونه‌هایی از این گونه حالات وحدت عمومی را در جریان وقایعی گوناگون شاهد بوده‌ایم، از جنگ تحمیلی گرفته تا زلزله بم و مسابقه فوتبال ایران و استرالیا. در هر سه نمونه مردم ایران از چاه‌بهار تا مرزهای ارس و اترک، واکنش‌هایی بسیار مشابه و تقریباً یکسان نشان دادند، بدون آنکه از پیش برنامه‌ای در کار بوده باشد. این گونه حالات در نظریه سوارم Swarm Theory تا حدودی توضیح داده می‌شود. در چنین حالاتی مدیریت استعدادها موجود، در کنار رهبری آن استعدادها اهمیت می‌یابد. اما نقش روزنامه‌نگار در چنین هنگامه‌هایی نه رهبری است و نه مدیریت، بلکه سرویس دادن و خدمت به سه رأس مثلثی است که خود در درون آن قرار گرفته‌اند: رهبری، مدیریت، و مردم. در چنین اوضاع و احوالی روزنامه‌نگار گذشته از وظایف روزانه مألوف خویش با وظایفی معنوی و اخلاقی، فراتر از اصول و قواعد معمول مهارت‌های خویش روبه‌رو می‌شود. وظیفه روزنامه‌نگار تشخیص نگرش و گرایش جامعه است. برای او کار مشکلی نیست، زیرا در چنان روزهایی خود او در دو نقش، نه تنها در نقش خبرنگار و خبررسان و گزارشگر و مفسر، که در مقام یکی از آحاد همان جامعه‌ای نیز که موظف به خدمت به آن است، قرار می‌گیرد.

تعریف بحران از منظر روزنامه‌نگاری

در حرفه روزنامه‌نگاری معنای بحران با معنای این واژه در بسیاری از حرفه‌های دیگر متفاوت است. آنچه در حرفه روزنامه‌نگاری کار روزمره است، در بسیاری از حرفه‌های دیگر کار بحرانی تلقی می‌شود. روزنامه‌نگار تا آخرین روزی که در این حرفه است، هر روز با واقعه‌ای بی‌سابقه، و غالباً غافلگیرکننده، روبه‌رو است که درباره آن باید تصمیمی بی‌سابقه بگیرد؛ از کلمات و جملاتی که بعضی از آنها را تا آن روز هرگز به کار نبرده استفاده کند؛ و محصول نهایی را با آرایشی کاملاً نو درست در دقیقه معین و در حجم معین عرضه کند و آن‌گاه با دلهره منتظر بماند تا مطمئن شود که محصولی که رقیب او در روزنامه‌ای دیگر تولید کرده بهتر از محصول او نیست. چنین وضعی در بسیاری از حرفه‌ها وضع بحرانی است، اما برای روزنامه‌نگار این سرنوشت هر روزی است. در روزنامه‌نگاری به این شرح وظیفه می‌گوییم “کار روزمره”. در بسیاری از مشاغل دیگر، مثلاً در پزشکی و در بانک‌ها چنین نیست. در آنها غالباً، جز موارد استثنایی، کار امروز تکرار همان کار دیروز یا پریروز یا هفته پیش است، با مراجعانی که فقط نام‌های متفاوتی دارند. اما با این همه، در “کار روزمره” روزنامه‌نگار، گاهی ناگهان از

وقایعی به او خبر می‌رسد، که در جهان ارزش‌های نسبی به آن می‌گوییم “بحران”؛ وقایعی چون سیل، زلزله، انفجار، جنگ، عملیات تروریستی.

از منظر هیئت تحریریه یکی از نخستین مشخصه‌های “بحران”، ضرورت آرایش جدید هیئت تحریریه است، با تلفن‌های متعدد، بسیج کردن چند خبرنگار و عکاس، و تعیین مأموریت آنها، پیش‌بینی مساحت غیرعادی در صفحات روزنامه، آرایش غیرعادی صفحه اول، در عین حال دغدغه رعایت زمان ارسال خبر به بخش فنی و رسیدن به موقع به ساعت انتشار. در رسانه‌های دیگر، رادیو و تلویزیون نیز همین التهاب حاکم است، زیرا آنها هم در محدودیت‌های مشابه ناشی از سرعت و حجم خبری گرفتار هستند.

در مواردی مرگ ناگهانی یک فرد می‌تواند در روزنامه‌ها آرایش بحرانی ایجاد کند. خبر درگذشت جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهوری وقت مصر، در ساعت ۱۱:۳۰ به ایران رسید. در یکی از روزنامه‌های آن روز ۱۲ مترجم و نویسنده و خبرنگار نیمه‌شب به روزنامه فراخوانده شدند و با استفاده از آرشیو، تلکس و تلفن به صاحب‌نظران، روزنامه روز بعد ۶ صفحه گزارش در این باره داشت. اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام نیز از نظر برخورد تحریریه‌های ایران و کشورهای دیگر برای رسانه‌های خبری یک واقعه بحرانی تلقی شد. در روزنامه‌نگاری، بحران‌ها را از چند وجه می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

الف. ماهیت بحران‌ها

- بحران‌های طبیعی مانند سیل و زلزله؛
- بحران‌های اقتصادی مانند بیکاری، تورم، رکود، تحریم؛
- بحران‌های اجتماعی مانند افزایش طلاق، مواد مخدر، مشکلات جوانان، تظاهرات، اعتصاب‌ها، عوارض اجتماعی کمبودهای ناگهانی در مواد مصرفی؛
- بحران‌های سیاسی مانند تغییرات ناگهانی مقامات، استیضاح، کودتا، تحریم، تهدید نظامی، جنگ، عملیات تروریستی.

ب. آرایش تحریریه

- بحران‌هایی که آرایش حاد تحریریه را ضروری می‌کند، مانند سیل و زلزله و جنگ و عملیات تروریستی؛
- بحران‌هایی که تغییرات کوچکی در کار تحریریه برای پوشش آنها کفایت می‌کند، مانند بحران‌های اقتصادی، برخی از بحران‌های نرم سیاسی.

ج. آمادگی‌های پیشین تحریریه

- بحران‌های قابل انتظار مانند تظاهرات از پیش اعلام شده و استیضاح؛
- بحران‌های غیرمنتظره، مانند سیل و زلزله (البته این تقسیم‌بندی همه‌جا دقیق نیست. مثلاً سال‌هاست که می‌دانیم تهران روی خط زلزله است و از این رو می‌توان گفت که اگر زلزله بیاید، قابل انتظار است. اما معمولاً کمتر روزنامه‌ای برای چنان واقعه‌ای تدارک پیشین می‌بیند، بنابراین اگر در تهران زلزله بیاید، جزو بحران‌های غیرمنتظره خواهد بود.)

د. عامل‌های بحران

- بحران‌های عمدی رسانه‌پسند، یعنی بحران‌هایی که افرادی مشخصاً به قصد درج در مطبوعات ایجاد می‌کنند مانند تظاهرات، اعتصاب‌ها، تحصن‌ها، تهدیدها، بعضی از سخنرانی‌ها، بعضی از عملیات تروریستی (در این مقاله به گونه بحران‌ها توجه خواهد شد)؛
- بحران‌های غیرعمد که مخاطب اصلی آنها رسانه‌ها نیستند، مانند سیل، زلزله، جنگ، فروریختن یک ساختمان، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی.

ه. واکنش خوانندگان

- بحران‌هایی که ایجاد بسیج و همدلی ملی می‌کنند، مانند جنگ، تهدید خارجی، زلزله و سیل؛
- بحران‌هایی که برسر آنها آراء و موضع‌گیری‌های متفاوتی در جامعه بیان می‌شود، مانند بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و بحران‌های نرم سیاسی.

نمونه‌ای از یک بحران

واقعه‌ای که بزرگ‌ترین پوشش خبری انفجاری پس از جنگ دوم جهانی را سبب شد، حمله به برج‌های دوقلوی نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. اولاً خود حادثه دارای ارزش خبری فوق‌العاده بالا بود، ثانیاً واکنش یک ابرقدرت به آن وسیع بود، ثالثاً سیطره وسیع رسانه‌ای و تبلیغاتی ایالات متحده، بحث بر سر ابعاد وسیع این واقعه را هنوز، پس از گذشت هفت سال همچنان داغ نگه داشته است. درضمن پس از این واقعه بحث نظری مهمی برسر اصول و وظایف روزنامه‌نگاران درگرفت، با این سؤال: آیا روزنامه‌نگار باید اصول بی‌طرفی در گزارش خبر را در همه حال رعایت کند؟ کجا و تا کجا می‌تواند از این قواعد عدول کند؟

صرف‌نظر از اینکه طراحان حمله به برج‌های دوقلو چه کسانی بودند، و آیا افرادی در داخل دولت آمریکا با انگیزه‌های معینی در آن دست داشتند یا نه، این نکته روشن است که طراحان طوری طرح‌ریزی کرده بودند که بزرگ‌ترین پوشش خبری جهان به آن اختصاص یابد، و عواملی چون مکان و زمان (حتی ساعت) انجام حمله تحت تأثیر این هدف تعیین شده بود، در بحث‌های نظری تعارضی اخلاقی مطرح شد. هدف طراحان حمله آن است که رسانه‌ها برای پوشش خبری و تفسیری این واقعه بزرگ‌ترین توانایی‌های خود را وارد میدان کنند و به ابعاد و زوایای خبری آن به وسیع‌ترین نحو بپردازند و در روزهای پیاپی اخبار و واکنش‌های بعدی را پی‌گیری کنند.

حرفه روزنامه‌نگاران ایجاب می‌کند که عیناً همین کارها را انجام دهند. پس آیا روزنامه‌نگار همدست عاملان شده و به خواست و دستور طراحان عمل کرده‌است؟ فرض کنیم که پس از آن حمله هیچ خبری در هیچ رسانه‌ای در این باره نباشد و روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون در فعالیت‌ها و برنامه‌های روزانه خود تغییری ندهند. در این صورت می‌توان گفت که طراحان حمله به مقصود خود نرسیده‌اند. آیا وظیفه اخلاقی روزنامه‌نگار او را به ندیده گرفتن این واقعه، به قصد ناکام گذاشتن هدف اصلی طراحان حمله، وامی‌دارد؟

پاسخ این سؤال قطعاً منفی است. ندیده گرفتن واقعه‌ای با این اهمیت به کلی خلاف موضوعیت روزنامه‌نگاری است. از طرفی، اگر رویکرد روزنامه‌نگار به این واقعه مانند رویکرد او به هر واقعه بحرانی دیگری باشد، همدست طراحان شده است.

پرسش: راه حل مقابله با این تعارض حرفه‌ای چیست؟ پاسخ: آمادگی‌های پیشین. کاری که در روزنامه‌نگاری آمریکا در درج گزارش‌های مربوط به واقعه ۱۱ سپتامبر انجام شد، جهت‌گیری آشکار در انتقال اخبار بود. این نیز با یکی دیگر از اصول خبرنگاری در تعارض بود. به خبرنگار آموخته می‌شود که مقاله آزاد است، اما خبر مقدس است. منظور آن است که خبرنگار حق ندارد نظرها و جهت‌گیری‌های شخصی خود را در خبر دخالت دهد، بلکه باید با رعایت بی‌طرفی در درج اخبار نظرهای هر دو طرف را با توازن منعکس کند. روز ۱۱ سپتامبر این اصل زیرپا گذاشته شد. این تخطی برخلاف آنچه تئوریسین‌های روزنامه‌نگاری در آمریکا گفتند، هیچ بی‌سابقه نبود. روزنامه‌های آمریکایی، و روزنامه‌های همه کشورها، در روزگار بحران ملی آشکارا جهت‌گیری می‌کنند. تمام خبرهایی که در زمان جنگ دوم پخش می‌شد، به‌وضوح جهت‌گیری داشت. بسیاری از خبرها سانسور می‌شدند و خبرهای پیروزی‌های ارتش آمریکا و بقیه سپاهیان متفقین علیه ارتش هیتلری بزرگ‌نمایی می‌شد. مهم‌ترین ابزار جنگ روانی، رسانه‌ها بودند. همین روحیه در جریان جنگ‌های کره و ویتنام و خاورمیانه و در تمام دوران پنجاه‌ساله جنگ سرد وجود داشت. حتی در مواردی که جنگ در کار نبود، روزنامه‌ها همراه با سیاست خارجی روز آمریکا حرکت می‌کردند. یک نمونه آن مقاله مشهوری است که نیویورک تایمز در ۱۹۵۲ درباره دکتر مصدق نوشت و او را هیتلر زمان نامید، در حالی که مصدق تحصیلکرده غرب و دموکرات‌منش به سبک غربی بود، انقلابی نبود و از طبقه اشراف و حافظ نظام موجود بود، سیاست ضدآمریکایی نداشت و به آمریکا نگاه مثبت داشت. اما سیاست دولت آمریکا به دشمنی با او قرار گرفته بود.

رفتار روزنامه‌های آمریکایی با صدام حسین، رئیس‌جمهوری وقت عراق، نیز آموزنده است. او در دوران حکومت خود از حمایت آمریکا برخوردار بود (حمایت آمریکا از او در جریان جنگ با ایران). همواره با سیاست کلان آمریکا همگام بود. با این همه، روزی اقتضائات سیاسی دولت آمریکا بر دشمنی با او قرار گرفت، و روزی که دولت آمریکا به عراق حمله نظامی کرد، از ۱۵۰۰ روزنامه آمریکایی، حتی یکی در منطق و حقانیت آن حمله چون و چرا نکرد و همه در خبرها و مقالات خود از لزوم آن حمله دفاع جانانه کردند. در داخل آن ۱۵۰۰ روزنامه، روزنامه‌نگارانی بودند که در منطق آن حمله تردیدهایی داشتند (چنانکه چند نفر از مجریان برنامه‌های تلویزیونی که سخنانی خلاف جریان غالب گفته بودند اخراج شدند). نظرهای آنها در هیچ‌یک از روزنامه‌های اصلی، به‌رغم افسانه آزادی بیان روزنامه‌نگار، مجال بیان نیافت. اگر مطالبی در مخالفت با آن حمله چاپ شد، فقط محدود به رسانه‌هایی بود که در حاشیه‌اند و خوانندگان معدودی دارند. ۱۵۰۰ روزنامه همچون یک دسته ارکستر رفتار کردند و حول یک محور با رنگ‌ها و طعم‌های گوناگون در نواختن یک نغمه همخوانی کردند. دو سال بعد، وقتی تب و تاب اولیه سست شد، و در واکنش به افشاگری‌هایی که در سطح جهان شد، نیویورک تایمز در سرمقاله‌ای اعتراف کرد که در زمینه‌سازی برای حمله به عراق دقیق عمل نکرده بوده و تمایلات دولت و اخبار دولتی را، بدون تحقیق درباره صحت و سقم آنها منعکس می‌کند و اینک لازم می‌بیند از خوانندگان عذرخواهی کند. ژان بودریار فیلسوف فرانسوی درباره این‌گونه رفتارها می‌گوید کار این‌گونه اعترافات آن است که نشان دهند اشتباهی که شده استثنایی بوده است، و به این ترتیب اشکالات کل سیستم از نظرها دور می‌ماند.

در گزارش‌های اولیه‌ی مربوط به ۱۱ سپتامبر، مهم‌ترین موضوعی که در روزنامه‌ها و رسانه‌های دیگر غایب ماند، انگیزه‌های اصلی دشمنی‌ها با آمریکا بود. البته مقاله‌ی مشهوری با عنوان «چرا از ما نفرت دارند؟» چاپ شد، با پاسخی به این مضمون: الف. آمریکا ثروتمند است و آنها بدشان می‌آید؛ ب. آمریکا پیشرفت دارد و «آنها» بدشان می‌آید؛ ج. آمریکا دموکراسی است و «آنها» بدشان می‌آید. در هیچ مقاله‌ای به انگیزه‌های عمیق‌تر دشمنی‌ها با سیاست دولت آمریکا اشاره نشد و توضیح داده نشد که الزاماً همه‌ی مخالفان سیاست‌های آمریکا عیناً طراحان و عاملان حمله به برج‌های دوقلو نیستند. هر گردویی گرد است، اما هر گردی گردو نیست. عاملان حمله مخالف آمریکا بودند، اما هر مخالف آمریکایی همراه و همفکر عاملان حمله نیست.

تأکیدهای ژورنالیستی رسانه‌های آمریکایی پس از یازدهم سپتامبر را می‌توان چنین تقسیم‌بندی کرد:

۱. جنگی جهانی، نه فقط در آمریکا بلکه در سراسر جهان، از طرف دشمنانِ نظم علیه نظم اعلام شده و آغاز شده است؛
۲. برج‌های دوقلو نمادی از پیشرفت، آزادی، و دموکراسی و ارزش‌های آمریکایی بوده‌اند و در همین جنبه‌ی نمادین از طرف عاملان حمله انتخاب شدند؛
۳. قربانیان حادثه بیگناه بوده‌اند، خود و خانواده‌هایشان رنج بسیار کشیدند، و ملت آمریکا با آنها همدردی می‌کند؛
۴. علاوه بر قربانیان حادثه، زندگی عادی بقیه‌ی آمریکایی‌ها نیز در خطر است؛
۵. مأموران آتش‌نشانی قهرمانانه عمل کردند (نمادی از مسئولان دولتی و اجتماعی)؛
۶. جهان با آمریکا همدردی کرده است؛
۷. آمریکا نیرومند است و دشمنان را به سزای اعمالشان خواهد رساند و آنها را نابود خواهد کرد؛
۸. ملت آمریکا یکپارچه پشت رئیس‌جمهوری ایستاده است و رسانه‌ها سخنگویان ملت آمریکا هستند؛
۹. جنگی طولانی، وسیع و پرخرج در پیش است؛
۱۰. عاملان حمله مخالف آمریکا بودند و آدم‌های بدی بودند، پس، هرکس مخالف آمریکا باشد آدم بدی است.

همه‌ی رسانه‌های اصلی آمریکا یک‌صدا به این تأکیدها پیوستند و در حفظ وحدت وفادار ماندند. هرچند اخبار، گزارش‌ها و مقالات آنها در طیفی رنگارنگ عرضه شدند، اما اساس رویکرد آنها با دقت همخوان بود. نظریه‌پردازانی به‌ویژه در آکادمی‌های ایالات متحده و اروپا در دفاع از ژورنالیسم میهن‌پرستانه به میدان آمدند و رفتار جدید را حجتی بر تغییر در نظریه‌های ژورنالیستی دانستند.

آنها رفتار روزنامه‌نگاران را به‌عنوان جزئی از یک کل (جامعه) در روز واقعه «مسئولانه» ارزیابی کردند. به عقیده آنان این واقعیت که روزنامه‌نگاران وفاق و همبستگی ایجاد شده در سطح جامعه در سوگواری بر قربانیان حادثه را ارج نهادند و خود نیز برای تقویت این جریان

تلاش کردند، به معنای آن بود که آنها تشخیص دادند که زمان و مکان مناسبی برای طرح سؤالاتی مانند اینکه چرا ایالات متحده مورد حمله قرار گرفته است، نیست. فقط معدودی از روزنامه‌نگاران رسانه‌های حاشیه‌ای، هرچند که روزنامه‌نگاری را نه شغلی بی‌تعلق خاطر سرزمینی می‌دانستند، فضای ایجادشده پس از یازدهم سپتامبر را که موجب سوءاستفاده دولتمردان برای جمع کردن حمایت در جهت برافروختن آتش جنگ در جهان به نام “مبارزه با تروریسم” بود، ناسالم دانستند و از رسانه‌ها و روزنامه‌نگارانی که تحت تأثیر این جوّ و میهن‌پرستی دولتی قرار گرفتند، انتقاد کردند و هشدار دادند که روزنامه‌نگاران به تحسین‌کنندگان سیاست‌های بی‌رحمانه و خشن تبدیل شده‌اند.

آنچه در روز یازدهم سپتامبر در آمریکا پیش آمد، در تاریخ همه ملت‌ها یا اتفاق افتاده، یا امکان اتفاق افتادن دارد. چگونه می‌توان روزنامه‌نگار را چنان آموزش داد که شیوه برخورد با بحران را فقط به روزهای بحرانی منحصر کند و از تعمیم آن به روزهای عادی روزنامه‌نگاری روزمره خودداری کند؟ کار بسیار دشواری است.

برنامه‌ای برای آموزش ویژه به کادر خبرنگاران گروه بحران

در این مقاله قصد آن نیست که برنامه‌ای برای آموزش ویژه به خبرنگاران گروه بحران ارائه شود. هدف جلب توجه به ضرورت چنین برنامه‌ای و ضرورت تربیت کادرهای ویژه در هر رسانه برای همراهی با و خدمت به بسیجی عمومی است که در روزهای وقوع بعضی از انواع بحران‌ها که جنبه ملی دارند لازم می‌شود و مفید است.

تحریریه روزنامه مانند قفسه‌های داروخانه است که داروهای مختلفی در آن چیده شده است. بعضی از داروها هر ساعت از قفسه‌ها بیرون می‌آیند و بعضی دیگر به‌ندرت، شاید هر سه ماه یک بار. روزنامه‌نگاری بحران از نوع دوم است، که بحران‌ها هر روز اتفاق نمی‌افتند. اما لازم است که حتماً دستورالعمل‌های پرداختن به بحران در جای معینی در روزنامه در دسترس باشد، و مرتباً روزآمد شود تا در صورت نیاز فوراً باز شود.

شاید نخستین درسی که باید به خبرنگاران گروه بحران داد، تکرار مکرر این اصل باشد که روزنامه‌نگار میانگین (روزنامه‌نگار معمول و مرسوم)، رهبر جامعه نیست. روزنامه‌نگارانی هستند که در مواردی خود را در مقام رهبران جامعه، برای کشاندن تمایلات و روحیه خوانندگان به این سو و آن سو مسئول می‌بینند، اما آنها استثنا هستند، نه قاعده. حتی در مورد روزنامه‌هایی که منعکس‌کننده تمایلات و گرایش‌های سیاسی، یا مثلاً علایق این یا آن گروه‌های ورزشی هستند، چنان روزنامه‌هایی عمده‌تاً “منعکس‌کننده و بسط‌دهنده و شدت‌دهنده” آن‌گونه تمایلات هستند، نه تولیدکننده، مبدع، رهبر و مدیر آن تمایلات. رهبری و مدیریت در جای دیگری است. مقام رهبر و مدیر جزو خصلت‌های اصلی کار روزنامه‌نگار میانگین نیست. روزنامه‌نگار رهبر نیست، بلکه خدمتگزار، یا می‌توان گفت خدمتکار جامعه است، همان‌طور که پیشخدمت رستوران خدمتگزار مشتری، یا پزشک خدمتگزار بیمار است. البته روزنامه‌نگارانی بوده‌اند که در مقام رهبری جامعه عمل کرده‌اند، اما استثنا بوده‌اند، همچنان که بوده‌اند آهنگرانی (مثلاً کاوه آهنگر) که در دوره‌ای رهبری جامعه را به‌دست گرفته‌اند، اما در شرح وظایف آهنگری، رهبری جامعه منظور نشده است. روزنامه‌نگار، میانگینی از آنچه در جامعه واقعاً وجود

دارد، یا استعداد آن بالقوه وجود دارد، برمی‌دارد و آن را به صورت نظم‌یافته و آرایش‌یافته به جامعه باز می‌گرداند. خود ارائه‌دهنده راه و رهبر نیست. درواقع به جامعه‌ای که تشنه است آب می‌رساند، اما خود نه تولیدکننده آب است نه تولیدکننده تشنگی در کسی که بدنش کمبود آب ندارد. دست بالا به کسی که کمبود آب دارد خواهد گفت که شما تشنه‌اید. کاشف آب و کاشف تشنگی است. باز تأکید می‌کنیم که حساب روزنامه‌نگار استثنایی جدا است. درک این موضوع، خصوصاً در هنگامی که روزنامه‌نگار بحران‌ها را گزارش می‌دهد، مهم است. در بحران‌ها، خصوصاً در بحران‌های ملی که بسیج ملی را می‌طلبد، چنددستگی خطری است که روزنامه‌نگاران تکرر ممکن است ایجاد کنند.

عامل‌هایی که در آموزش کادر بحران باید در نظر گرفت

یکی از انگیزه‌هایی که روزنامه‌نگار را بی‌قرار می‌کند و او را به تلاش وامی‌دارد، تیراژ است. به این عامل در آموزش روزنامه‌نگاران کادر بحران باید اهمیت داد. روزنامه‌نگار انسانی است در آرزوی خواننده. به این ترتیب در جلب خواننده روزنامه‌نگار خود را با کادر روزنامه رقیب در مسابقه می‌بیند. در روز وقوع بحران ملی روزنامه‌ها می‌کوشند بهترین زاویه را بیابند و بر آن تأکید کنند. در اینجا سرعت و تقلید عیب نیست. سوژه‌ها از این روزنامه به آن روزنامه پاس داده می‌شوند. یک زاویه خبری در یکی از روزنامه‌ها عرضه می‌شود که قابلیت تقلید دارد. روزنامه‌های دیگر به سرعت به همان سو می‌روند و می‌کوشند با خلاقیت خود جلوه‌های بهتری از فکر اولیه را پیروانند. میزان قابلیت تقلید آن زاویه در واقع از دل جامعه برمی‌خیزد. روزنامه‌نگار فوراً تشخیص می‌دهد که این زاویه حتی پیش از آنکه عرضه شود، خواست خواننده بوده است. گفتیم روزنامه‌نگار بیش از آنکه مخترع باشد، کاشف است. کافی است که جست‌وجو کند. عوامل دیگر عبارت است از:

ایجاد اعتماد. خوانندگان در روزهای بحران باید به روزنامه‌ها اعتماد داشته باشند. این اعتماد در روز بحران فراهم نمی‌شود، بلکه زمینه‌های آن در روزهای عادی، و به تدریج تکوین می‌یابد. بخشی از این اعتماد از راستگویی و بی‌طرفی رسانه‌ها حاصل می‌شود، اما این کافی نیست. بخش دیگری که به همان اندازه مهم است، توانایی و مهارت در قدرت فنی و علمی رسانه‌هاست. بنابراین مهارت و توانایی روزنامه‌نگار در روزهای عادی، بخشی از آمادگی او برای گزارش بحران است.

لحن گزارش‌ها. در روزهای بحران، نوشته‌ها و گفتارهای رسانه‌ای، اعم از خبر، گزارش و تفسیر، لحن پرآب و تاب و آتشین دارند، در جمله‌های کوتاه تنظیم می‌شوند، برای واقعه نام‌هایی انتخاب می‌شود که یکی از آنها از طریق تقلید، به سرعت در میان رسانه‌ها باب می‌شود (مثلاً حادثه ۱۱ سپتامبر، زلزله بم، حادثه ۷ تیر، حادثه دفتر نخست‌وزیری، مسابقه ایران-استرالیا، جنگ (اشاره به جنگ عراق با ایران)، جنگ خلیج فارس (اشاره به حمله آمریکا به عراق در ۱۹۹۷).

کار گروهی. خبرنگاران میدانی باید از پشتیبانی تحریریه برخوردار باشند. علاوه بر آرشیوهای روزنامه، نشانی آرشیوهای دیگری که در روز بحران مراجعه به آنها لازم می‌شود، باید در دست باشد.

- راه تماس با افرادی که در روز بحران می‌توان با آنها تماس گرفت و نظر کارشناسی خواست؛
- آرشیوهای پشتیبانی در ادارات و سازمان دسترسی داشته باشند؛
- نقشه‌های جغرافیای جهان، کشور، و شهر، برای مشخص کردن محل وقوع بحران؛
- تربیت عکاسان برای گرفتن عکس در شرایط دشوار؛
- بسیج ناوگان ترابری روزنامه، اعم از اتومبیل، وانت، و موتورسیکلت؛
- اطلاع از سیاست‌های دولت که در مقام رهبر بسیج اجتماعی عمل می‌کند.

پیشنهاد برگزاری دوره ویژه روزنامه‌نگاری بحران

به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت تأثیرات رویدادهایی که بنا به تعریف از آنها به عنوان بحران یاد می‌کنیم، بایسته است که روزنامه‌نگاران نیز دانش خود را در این حوزه افزایش دهند. یکی از راه‌های ارتقای دانش روزنامه‌نگاران، برگزاری دوره آموزشی ویژه روزنامه‌نگاری بحران است. این دوره پیشنهادی یک ترم دانشگاهی و در دو رشته برگزار خواهد شد: **عنوان رشته نخست:** روزنامه‌نگاری بحران‌های منطقه‌ای و جهانی؛ **عنوان رشته دوم:** روزنامه‌نگاری بحران‌های ملی و محلی.

در این دوره‌ها دروس عمومی و اختصاصی به شرح زیر تدریس می‌شود:

- **دروس عمومی:** ۱. مدیریت و سازمان هیئت تحریریه در بحران؛ ۲. گزارش‌نویسی بحران؛ ۳. مصاحبه بحران؛ ۴. خبرنگاری بحران؛ ۵. طراحی روزنامه در بحران؛ ۶. مبانی روان‌شناسی بحران (لطمه روحی)؛ ۷. مبانی جامعه‌شناسی بحران؛ ۸. روزنامه‌نگاری دیجیتال و بحران؛ ۹. مدیریت دانش و مدیریت بحران؛ ۱۰. اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری بحران؛ ۱۱. حقوق و وظایف روزنامه‌نگاری بحران (امنیت جانی، رفاه عاطفی و محدودیت‌های روزنامه‌نگاران).
- **دروس اختصاصی روزنامه‌نگاری بحران‌های ملی و محلی:** ۱. مبانی مدیریت بحران و اصول کاهش خطرپذیری (فردی و جمعی)؛ ۲. حوادث طبیعی در ایران (زلزله، سیل، آتش‌سوزی)؛ ۳. آشنایی با سایت‌ها و منابع و مراکز اطلاع‌رسانی مرتبط با بحران و حوادث غیرمترقبه؛ ۴. مبانی تبلیغات و فرهنگ عام؛ ۵. روزنامه‌نگاری بحران و نهادهای مدنی رسانه‌ای (وفاق رسانه‌ای در بحران‌ها)؛ ۶. مبانی نظری روزنامه‌نگاری ۲ (نظریه بسیج عمومی، نظریه رفتارهای توده‌ای، روان‌شناسی توده).
- **دروس اختصاصی رشته روزنامه‌نگاری بحران‌های منطقه‌ای و جهانی:** ۱. مبانی روابط بین‌الملل؛ ۲. مبانی تاریخ جهان معاصر؛ ۳. سایت‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی در بحران‌ها و

حوادث غیرمترقبه جهانی (دارت ستر، بخش حوادث خبرگزاری رویترز)؛ ۴. تاریخچه روزنامه‌نگاری بحران اروپا و آمریکا در صد سال گذشته (ویتنام، شورش ۱۹۶۸ فرانسه، ۱۱ سپتامبر، طوفان کاترینا، سونامی اندونزی)؛ ۵. نظریه‌های روزنامه‌نگاری بحران در حوزه منطقه‌ای و جهانی و چشم‌اندازهای آن.

برای انتخاب دقیق‌تر موضوع‌هایی که می‌توان در این گونه کلاس‌ها یا کارگاه‌های آموزشی طرح کرد، پیشنهاد می‌شود که مدخل‌های زیر بررسی شوند:

Symmetry Breaking in Herding Behavior	تقارن شکنی در رفتار جمعی	Anxiety	اضطراب
Team player	بازیگرهماهنگ	Bandwagon effect	به دنبال جماعت رفتن
Urban legend	افسانه‌های شهری	Collective behavior	رفتار جمعی
Groupthink	تفکر گروهی	Collective consciousness	شعور جمعی
Herd mentality	ذهنیت جماعتی	Collective effervescence	قضاوت جمعی
Hive mind	ذهن کندویی	Collective intelligence	هوش جمعی
Hundredth Monkey	میمون صدم	Consensus reality	واقعیت اجتماعی
induction	قیاس	Crowd psychology	روان‌شناسی جماعت
Informational cascade	فوران اطلاعات	Conformism	سازشکاری
Mass hysteria	جنون توده‌ای	Culture jamming	مخدوش کردن فرهنگ
Mean world syndrome	عارضه میانگین‌گرایی	Demagoguery	عوام‌فریبگی
Meme	انتشار از طریق تقلید	Fear	ترس
Memespace	فضای مستعد تقلید	Figure of speech	بازی‌های زبانی
Mob rule	سلطه غوغاگران	Flocking behaviour	رفتار جمعی (گله‌ای)
Moral panic	سراسیمگی اخلاقی	Framing (social sciences)	(چارچوب‌سازی) پرونده‌سازی
Propaganda	تبلیغات	Group behavior	رفتار گروهی
Rhetoric	بلاغت	Self-organization	خودسازمانی

Rumor	شایعه	Sheeple	انسان‌های گوسفندوار
Disaste	مصیبت‌های طبیعی (فاجعه)	Semiotics	نشانه‌شناسی
Vulnerability	آسیب‌پذیری	Snowclone	شنیده‌های افواهی
Capacity	ظرفیت، قابلیت	Social constructionism	برساخت‌گرایی اجتماعی
Risk	مخاطره	Spontaneous order	نظم خودجوش
Crisis	بحران	Swarm intelligence	هوش جمعی ناآگاهانه

در کلاس‌ها یا کارگاه‌های آموزشی یاد شده، جنبه‌های مختلف این عارضه‌های اجتماعی همراه با تمرین‌های مرتبط به خبرنگار آموخته می‌شود و او را ورزیده می‌کند. با این تربیت، مقولات فوق دستمایه‌ای می‌شوند برای:

- آمادگی پیشینی برای درک و مواجهه با این عارضه‌ها در میدان،
- ایده گرفتن هنگام نوشتن گزارش،
- محافظت روحی خود خبرنگار، (خبرنگار خود نیز در معرض مستغرق شدن در حادثه است و ممکن است تسلط بر نفس خود را از دست بدهد و نتواند از حادثه به اندازه کافی فاصله بگیرد و در نتیجه از وظیفه خود باز بماند. خبرنگار باید با خود همیشه تکرار کند که وظایف وی عبارتند از: تنظیم خبر با حفظ قواعد روزنامه‌نگاری، در محدوده‌ای که سردبیر تعیین کرده، رساندن سریع خبر به تحریریه و از آن طریق به خوانندگان)
- کار هماهنگ با تیم اعزامی.

نتیجه‌گیری

پیشنهاد نگارنده این است که برنامه‌هایی درسی با هدف آموزش کارکنان منتخب همه رسانه‌ها به منظور ایجاد آمادگی در مواجهه روزنامه‌نگاران با بحران‌های ملی تنظیم شود. هر رسانه‌ای می‌تواند دوره‌های داخلی هم تشکیل دهد، تا در روز وقوع بحران در میدان رقابت، سبک و شیوه خود را حفظ کند. اما مهم آن است که قواعد اخلاقی و معنوی در جهت حفظ وحدت ملی و بسیج افکار عمومی در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی به کادرهای ویژه بحران‌های ملی یکسان آموزش داده شود. با رعایت این اصل است که رسانه‌ها در روزهای بحران ملی بدون آنکه دست‌ورگیرنده دولت باشند، خواهند توانست یکصدا و همصدا با دولت و همه نهادهای ملی، از بروز چنددستگی در جامعه پرهیز کنند.

منابع

<http://ngm.nationalgeographic.com/2007/07/swarms/miller-text>
http://en.wikipedia.org/wiki/Swarm_intelligence
www.djh.dk/STudiePDF/Journalismafter911.pdf
(Jean Baudrillard, *Simulations*, pp. 26ff. English Translation),
<http://www.egs.edu/faculty/ baudrillard/ baudrillard-the-spirit-of-terrorism.html>
http://www.fareedzakaria.com/ARTICLES/newsweek/101501_why.html
www.journalism.org/node/1839 ,
www.leaonline.com/doi/abs/10.1207/S15327728JMME1704_04